



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/pg.2021.27297.0>

پژوهشی

تحلیل نقش قدرت‌های بزرگ در ایجاد مرز دیورند و تأثیر آن بر روابط افغانستان و پاکستان

فیاض گل مظلوم یار (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fmazloumyar@gmail.com

سید هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول)

h-zarghani@um.ac.ir

چکیده

ایجاد کشورها بر بنیاد مرزها محصول نیمه دوم سده نوزدهم است، افغانستان یکی از اولین کشورهایی است که بر این بنیاد ایجاد شده است. مرزهای سیاسی کنونی افغانستان از نوع مرزهای تحمیلی بوده که عمدتاً تحت تأثیر منازعات و رقابت‌های سیاسی بین دو قدرت انگلیس و روسیه تزاری در قرن ۱۹ و در جریان بازی بزرگ جهت جلوگیری از رویارویی مستقیم این دو قدرت در منطقه آسیای مرکزی به وجود آمده است و در این دوره افغانستان را به‌عنوان یک منطقه حایل بین خودشان قرار داده و مرزهای سیاسی آن کشور را طی چندین معاهده تعیین و تثبیت نمودند. در این میان معاهده دیورند و مسئله پشتونستان بسیار بااهمیت است زیرا تحولات افغانستان بعد از عقد معاهده دیورند وارد فاز جدیدی شد که باگذشت زمان و تغییرات بزرگی چون خروج انگلیس از شبه‌قاره و استقلال هند نه تنها نتوانست اصل و ماهیت منازعات مرتبط به مرزهای جنوبی افغانستان را حل و فصل نماید بلکه با ظهور کشور پاکستان و تضاد منافع بین این دو کشور همسایه، بر پیچیدگی حوادث و رخدادها افزوده شد که تا به امروز نیز ادامه دارد. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر کتابخانه‌ای به دنبال بررسی نقش قدرت‌های بزرگ همچون انگلیس و روسیه در شکل‌گیری مرزهای سیاسی افغانستان به‌ویژه مرز دیورند و پیامدهای منفی آن برای کشور افغانستان و نقش آن در ایجاد اختلاف بین افغانستان و پاکستان می‌باشد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که در شکل‌گیری مرزهای افغانستان قدرت‌های منطقه و فرامنطقه به‌ویژه انگلیس نقش داشتند و معمای دیورند یکی از باقی‌مانده‌های استعمار هند بریتانیایی است که در حال حاضر به عامل اختلاف بین افغانستان و پاکستان تبدیل شده است و پیامدهای منفی آن برای افغانستان شامل، محصور شدن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد، حمایت و تشدید بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان، ناامنی سراسری، فروپاشی نظام اجتماعی و... بوده است.

واژگان کلیدی: مرز، اختلافات مرزی، دیورند، افغانستان، روسیه تزاری، انگلیس

در طی قرون گذشته، به‌ویژه قرن نوزده و بیست میلادی، قدرت‌های بزرگ جهانی نقش مهم و مؤثری در تعیین و ترسیم مرزهای بین‌المللی در بیشتر مناطق جهان داشته‌اند (Zarghani, 2007: 154). منطقه آسیای جنوبی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و با توجه به ویژگی‌های استراتژیکی و ژئواکونومیکی که دارد همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. به همین دلیل مرزهای کشورهای این منطقه نیز در راستای منافع بازیگران بزرگ جهانی تعیین شده است و ناهمخوانی شدیدی با ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگی و قومی کشورهای منطقه دارند که این امر باعث ایجاد روابط خصمانه کشورهای منطقه نسبت به هم و وقوع جنگ و بی‌ثباتی در منطقه شده است (Jafari Voldani, 2008: 163). نمونه بارز این‌گونه مرزها، مرزهای کشور افغانستان است که به‌واسطه تغییر و تحولات سیاسی و تاریخی در دوره‌های مختلف و با توجه به اقتدار زمامدارانش و چگونگی اوضاع بین‌المللی، دائماً در حال تغییر بوده است (Rahmati, 1985: 16-17).

افغانستان کشوری است که در منطقه حساس و استراتژیک آسیای مرکزی قرار گرفته است و به‌واسطه موقعیت حساس جغرافیایی که وصل‌کننده آسیای مرکزی به جنوب آسیا بوده همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی برای رسیدن به اهدافشان در این نقطه از جهان قرار گرفته است. به‌طوری‌که همین موقعیت استراتژیک باعث مبدل شدن افغانستان به یک منطقه حائل در دوره رقابت دو امپراتوری روسیه تزاری و بریتانیا در دو قرن گذشته شده است و همواره عرصه میدان بازی این دو قدرت‌های استعماری قرار گرفته است. از زمان حضور انگلیس در شبه‌قاره هند مسئله مرزهای جنوبی افغانستان یکی از دلایل اصلی جنگ‌ها و ناآرامی‌های این کشور بوده است. انگلیس که قلمرو خود را تا پاکستان امروزی توسعه داده بود سعی می‌کرد به سمت شمال آسیای مرکزی نفوذ کند تا بین هند که تحت استعمار انگلیس بود، با آسیای مرکزی که در تصرف روسیه قرار داشت فاصله و جدایی بیندازد (Azimi, 2012: 72). از سوی دیگر روسیه نیز باهدف دستیابی به اقیانوس هند از طریق پشتونستان و بلوچستان سعی داشت از قلمرو خود در آسیای مرکزی به سمت جنوب پیشروی کند در نتیجه این دو امپراتوری در سرزمین افغانستان امروزی به هم می‌رسیدند و این کشور را صحنه تاخت‌وتاز و کشمکش خویش قرار می‌دادند (akbari, 2012: 153). به همین دلیل افغانستان همواره در رقابت رزمایش قدرت‌های استعماری خسارت‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شده است به‌طوری‌که در این دوره شاهد جدا شدن بخش‌هایی از این سرزمین به‌واسطه فشارهای سیاسی و نظامی این دو قدرت طی بستن معاهده‌های مختلف بوده‌ایم. در این میان معاهده دیورند و مسئله پشتونستان بسیار بااهمیت است زیرا تحولات افغانستان بعد از عقد معاهده دیورند وارد فاز جدیدی شد که باگذشت زمان و تغییرات بزرگی چون خروج انگلیس از شبه‌قاره هند و استقلال هند نه تنها نتوانست اصل و ماهیت منازعات مرتبط به مرزهای جنوبی افغانستان را حل و فصل نماید بلکه با ظهور کشور پاکستان و تضاد منافع بین این دو کشور همسایه، بر پیچیدگی حوادث و رخدادها افزوده شد که تا به امروز نیز ادامه دارد (Mazloun, 2019: 12).

۲- پیشینه تحقیق

خط مرزی دیورند از جهات مختلف به مطالعه نیاز دارد، اگرچه تاکنون پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است اما بازم این موضوع از جنبه‌های گوناگونی مبهم به نظر می‌رسد از جمله این موارد می‌توان به نقش روسیه و بریتانیا در تعیین مرز دیورند اشاره کرد، که تاکنون پژوهشی مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است. جدول (۱) به بررسی مطالعات انجام شده طی سال‌های اخیر پیرامون مرزهای افغانستان و به خصوص مرز دیورند می‌پردازد.

جدول (۱) ادبیات تحقیق پیرامون مرزهای افغانستان و مرز دیورند

نویسندگان	عنوان تحقیق	یافته‌های تحقیق
احمدی نوحدانی (۱۳۹۵)	وسوسه مرزها	نتایج پژوهش نشان می‌دهد مرز غربی پاکستان هرگز توسط افغانستان به‌عنوان مرز بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است. به رسمیت شناختن خط دیورند توسط افغانستان، نتیجه عادی شدن روابط با پاکستان خواهد بود و کابل درازای این کار، تضمین‌هایی از جمله عدم دخالت سیاسی پاکستان، تسهیلات تردد در دالان به‌سوی بنادر اقیانوس هند، گوادر یا کراچی و نیز ترک هرگونه مانع سازی و مین‌گذاری مرزی را خواستار خواهد شد.
واعظی (۱۳۹۴)	منازعات داخلی طالبان و چشم‌انداز امنیت در افغانستان	نتایج نشان می‌دهد اختلاف مرزی دو کشور بر سر خط مرزی دیورند و منطقه پشتونستان که به معنای ادعای افغانستان نسبت به یک‌سوم قلمرو پاکستان است از یک‌سو و نگرانی شدید پاکستان نسبت به نزدیکی هند و افغانستان و از دست رفتن عمق استراتژیک پاکستان در افغانستان از سوی دیگر باعث شده است تا پاکستان برقراری حکومت مرکزی قوی و امنیت در افغانستان را به‌مثابه تهدید جدی نسبت به قلمرو ارضی خود تلقی کند و همواره به دنبال حمایت و پشتیبانی از گروه‌های شبه‌نظامی و افراط‌گرا در این کشور بوده است.
رفیع و بختیاری جامی (۱۳۹۳)	چالش‌های صلح در افغانستان	نتایج نشان می‌دهد اگرچه روابط پرتنش پاکستان و افغانستان به اختلافات مرزی در مناطق قبیله‌ای پشتون نشین بیش از گذشته دامن زده است اما سکونت قوم پشتون در مناطق شمال پاکستان و متعاقباً مداخله‌گری و نفوذ پاکستان در آن‌سوی خط دیورند، پشتون‌های ملی‌گرا در افغانستان را به اتحاد قوم پشتون در داخل افغانستان سوق می‌دهد.
کاگر (۱۳۹۰)	معاهده دیورند از نگاه حقوقی	این مطالعه موضوعاتی از قبیل اینکه آیا معاهده دیورند واقعاً یک قرارداد مرزی بوده یا صرفاً محدودکننده منطقه نفوذ انگلیس‌ها و افغانستان، تحمیلی یا غیرتحمیلی بودن معاهده دیورند، اثرات حقوقی این معاهده، اینکه این معاهده در برابر گرفتن امتیازات بوده است یا خیر و چندین مورد دیگر را بررسی می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد این سند معاهده نیست بلکه موافقت‌نامه است زیرا معاهده در انگلیسی Treaty و موافقت‌نامه Agreement ترجمه می‌شوند و سند دیورند Agreement عنوان شده است و ثانیاً امیر افغانستان این سند را اصلاً امضا هم نکرده است.
اندیشمند (۱۳۸۶)	منازعه دیورند، از آغاز تا امروز	نتایج نشان می‌دهد منازعه دیورند جامعه قبیله‌ای پشتون را در آن‌سوی دیورند از داشتن کشور به لحاظ ذهنی و تابعیت از قوانین مدنی محروم کرده است. در سایه این ذهنیت، تنگ‌سالاری حاکم شد، قاچاق، تروریسم و ستیزه‌جویی رشد کرده و بی‌سوادی تداوم یافته و مردم گرفتار عقب‌ماندگی‌های اجتماعی شدند. از این‌رو اگر زمامداران افغانستان به‌جای منازعه بر سر دیورند به تثبیت مرز دو کشور و تحکیم حاکمیت قانون و ایجاد جامعه قانونمند و مدرن در مسیر تفاهم و توافق بر مبنای منافع متقابل با پاکستان قرار می‌گرفتند، اوضاع سیاسی و اجتماعی در دو سوی دیورند با این عقب‌ماندگی، خونریزی و ویرانی شکل نمی‌گرفت.
افغان (۱۳۸۴)	نگرشی بر تاریخ معاصر افغانستان	این پژوهش به طرح مسئله پشتونستان در سطح بین‌المللی و ادعاهای دو کشور پاکستان و افغانستان در رابطه با خط مرزی دیورند در سازمان ملل اشاره دارد. درحالی‌که نماینده افغانستان اظهار داشته است اگر به حل این مسئله پرداخته نشود روزی امنیت و صلح را در آسیا به مخاطره خواهد افتاد. در مقابل مقامات پاکستانی ادعا داشتند مقامات افغانستان توجه مردم خود را از مشکلات داخلی به سمت اختلافات مرزی با پاکستان معطوف می‌کنند و با این ادعا با کمک کشورهای خارجی قصد تجزیه پاکستان را دارند و حتی از آمادگی حملات نظامی و جابه‌جا شدن آن‌ها در سرحدات نیز سخنان به میان آمده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- مرز

مرز مشخص‌کننده محدوده و حدود دو پدیده با هویت مستقل و ماهیت متفاوت است. نیاز ذاتی انسان‌ها این است که برای اطمینان از احساس امنیت و به دست آوردن استقلال عمل، دارای فضای اختصاصی با مرزهای مشخص باشند. این فضای محدود دارای مرز، از پایین‌ترین سطح یعنی مرزهای شخصی شروع می‌شود و تا فضای ناحیه، منطقه، کشور و... ادامه پیدا می‌کند. در بین مرزهای مختلف مرزهای بین‌المللی از نظر اهمیت، گستره و کارکرد دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. هم از آن روی که مشخص‌کننده قلمرو حکومت و اعمال قدرت و حاکمیت هستند و هم به جهت اینکه دربرگیرنده تعداد زیادی از مردم یا همان ملت‌ها هستند (Zarghani, 2019: 19).

۳-۲- اختلافات مرزی

منظور از اختلاف مرزی، اختلاف دو کشور هم‌جوار بر سر مرز مشترک از جنبه مختلف مکانی، سرزمینی، عملکردی و... در سطوح مختلف خرد تا کلان است. مراحل تحدید حدود و علامت‌گذاری که معمولاً همراه با قراردادهای مرزی صورت می‌گیرد، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نمی‌دارد (Drysedale, 1995: 112). به‌طورکلی اختلافات مرزی را می‌توان به چهار دسته (۱) اختلافات مکانی: به اختلافات ایجادشده بر سر مکان دقیق مرز که ممکن است در اثر تفسیرهای گوناگون و متضاد از اسناد قانونی یا تغییر مکان مرز طبیعی حاصل شود. (۲) اختلاف بر سر قلمرو یا اختلاف ارضی: زمانی بروز می‌کند که دو کشور همسایه مدعی حاکمیت یک قلمرو مرزی باشند که معمولاً دلایل تاریخی، جغرافیایی و امنیت ملی اساس این ادعا را تشکیل می‌دهد. (۳) اختلاف عملکردی: که در مورد نحوه اداره و عملکرد مرزها بین دو کشور بروز می‌کند. (۴) اختلافات مرزی ناشی از استفاده مشترک از یک منبع اقتصادی: این نوع اختلاف هنگامی مطرح می‌شود که طرفین نمی‌توانند در مورد استفاده و تقسیم منابع موجود در منطقه مرزی به توافق برسند (Zarghani, 2007: 129).

۳-۳- مرز دیورند

این خط مرزی در ۱۲ نوامبر سال ۱۸۹۳ بین "امیر عبدالرحمن خان" پادشاه وقت افغانستان و "هنری مورتمیر دیورند" وزیر خارجه هند بریتانیایی ترسیم شد. هدف آن تعیین سرحد میان افغانستان و هند بریتانیایی بود و بر اساس آن، بخشی از خاک افغانستان به‌عنوان منطقه تحت نفوذ هند بریتانیایی در اختیار این دولت قرار گرفت (ArianFar, 2006: 60). طبق این معاهده مناطق سوات، باجول، چترال، ارنوری، وزیر، داور و چمن از دولت افغانستان جدا شد و خط مرزی افغانستان با پاکستان فعلی، به طول ۱۷۰۰ مایل (۲۴۳۰ کیلومتر) از شمال شرق تا جنوب غرب افغانستان که به مرز ایران می‌رسد توسط هیئت افغانی و انگلیسی نشانه‌گذاری شد که این کار تا دو سال طول کشید (Akbari, 2012: 155). با ترسیم این خط قبایل پشتون و بلوچ که در دو طرف خط دیورند زندگی می‌کردند از هم جدا شدند که این خود به عامل تنش میان دو کشور افغانستان و پاکستان تبدیل شد به‌طوری‌که بعد از خروج انگلیس از هند و تشکیل کشور

پاکستان این خط هیچ‌گاه از سوی افغانستان و نیز برخی از احزاب مطرح در آن‌سوی دیورند چون نشنل عوامی پارتی و حزب پشتونخوا، به‌عنوان سرحد رسمی میان افغانستان و پاکستان، به رسمیت شناخته نشده است (Gani Ahmadzi, 2011:327).

۴- روش تحقیق

این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. اطلاعات موردنیاز، به روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع معتبر، چون کتب، مقالات علمی، گزارش‌ها و ... گردآوری شده است. هدف پژوهش بررسی فرایند ترسیم خط مرزی دیورند و نقش قدرت‌ها و کشورهای خارجی مانند انگلیس و روسیه در ترسیم این خط مرزی است. همچنین به بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای منفی مرز دیورند بر کشور افغانستان نیز می‌پردازد.

۵- یافته‌های تحقیق

۱-۵- مرزهای سیاسی افغانستان از گذشته تاکنون

حدود مرزی دولت مقتدر آریانا (افغانستان قدیم) از سمت شرق از گلگت تا اقیانوس هند که تمام حوزه‌ی سند را در برمی‌گرفت، از سمت غرب، از گوشه‌ی شرقی دریاچه‌ی خزر شروع و از غرب بلوچستان گذشته به اقیانوس هند می‌رسید (Shourmach Noorestabi, 1971:2-3). سرحد شمالی این سرزمین دریاچه‌ی آرال بود که مصب رودخانه آمو و سیر دریا را تشکیل می‌داد و از جنوب نیز به دریای عرب می‌رسید (Arez, 2003: 19). در دائرةالمعارف آریانا در مورد حدود افغانستان قدیم چنین نوشته شده است «از شرق به رود اندوس، از جنوب به اقیانوس هند، از شمال به سیر دریا و بعداً آمو دریا و از سمت غرب از جنوب شرقی دریای خزر شروع و به اقیانوس هند وصل می‌شد، به‌طوری‌که پارت‌ها را از مادها و کرمان را از فارس جدا می‌کرد» (Encyclopedia, 1956: 284). در قرن ۱۹ با انحطاط دولت ابدالی و ضعف سیاسی جانشینان احمدشاه و از سوی دیگر تفرقه‌افکنی و امیال سوء انگلیسی‌ها تدریجاً این امپراتوری وسیع تجزیه گردید و سرزمین‌های بسیاری با مداخله انگلیس و روسیه تزاری از افغانستان جدا شدند و مرزهای آن از سواحل دریای عرب و اقیانوس هند دور شده و در نتیجه به یک کشور محاط در خشکی تبدیل گردید (Azimi, 2012: 233). در حال حاضر کشور جمهوری اسلامی افغانستان ۶۵۲۲۵ کیلومترمربع مساحت دارد و در جنوب آسیا، میان کشورهای ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان در شمال، ایران در غرب، پاکستان در جنوب و شرق و چین در شمال شرق قرار گرفته است. سراسر مرزهای شمالی افغانستان را کرانه‌های آمو دریا فرا گرفته است و مجموع مرزهای خشکی و آبی افغانستان ۵۸۸۳ کیلومتر می‌باشد (Azimi, 2012: 30).

۲-۵- رقابت انگلیس و روسیه تزاری در بازی بزرگ مقدمه‌ای برای تثبیت مرزهای سیاسی افغانستان معاصر

در سال‌های آغازین قرن ۱۹ قوای روسی به سمت جنوب پیش می‌آمدند و از طریق قفقاز، که در آن هنگام محل سکونت قبایل خشن مسلمان و مسیحی بود به‌سوی شمال ران و افغانستان سرازیر شدند (Rahimi, 2017: 3). در سال

۱۸۰۷ خبری به لندن رسید که موجب نگرانی شدید دولت بریتانیا و مدیران کمپانی شد، ناپلئون بناپارت، پس از پیروزی‌های درخشان در اروپا، به جانشین پل، تزار الکساندر اول پیشنهاد کرد متفقاً به هند حمله کنند و آنجا را از سلطه انگلیسی‌ها خارج سازند (Hopkirk, 1980: 16). در واقع انگلیسی‌ها تا آن زمان به راه‌های سوق‌الجیشی زمینی دسترسی دشمنان به هند توجه نکرده بودند و توجه خود را بیشتر به باز نگاه داشتن راه‌های آبی معطوف کرده بودند. از این زمان به بعد موقعیت سیاسی افغانستان به عنوان یک کشور مهم استراتژیکی برای انگلیسی‌ها و روس‌ها مطرح شد چراکه دولت هند شرقی دستوراتی را به اجرا درآورد که طی آن مسیرهای منتهی به هند از طریق افغانستان شناسایی و نقشه برداری شود تا رؤسای کمپانی بتوانند در مورد مناسب‌ترین منطقه برای توقف و نابودی دشمن تصمیم بگیرند. علاوه بر آن هم‌زمان هیئت‌های سیاسی نزد شاه ایران و امیر افغانستان، که قلمروشان لاجرم در مسیر قرار داشت نیز اعزام شدند تا آنان را از هرگونه ارتباط با دشمن بر حذر دارند. هرچند تهدید حمله مشترک روس‌ها و فرانسوی‌ها به هند تحقق نیافت. ولی پس از شکست‌های سنگین ناپلئون و بازگشت آن‌ها به اروپا، این بار تهدید جدید و جدی برای هند از طرف روس‌ها به وجود آمد، روس‌ها دست‌بردار نبودند و راه پیشروی در ناحیه قفقاز را آغاز نمودند. سرعت پیشروی روس‌ها به طرف نواحی منتهی به افغانستان، کلکته و لندن را به‌طور فزاینده‌ای نگران ساخت. دیری نگذشت که این منطقه حائل و استراتژیک، میدان وسیع ماجراجویی افسران و کاشفان جوان و بلندپرواز طرفین گردید. مسیر سپاهیان برای روزی که جنگ به این منطقه کشیده شود باید شناسایی می‌شد. از این‌رو در نیمه قرن نوزدهم، شهرهای مسیر کاروان‌ها و خان‌نشین‌های جاده قدیم ابریشم یکی پس از دیگری به دست روس‌ها می‌افتاد (Rahimi, 2017:4). چنانچه در آغاز قرن ۱۹ فاصله حدود ۲۰۰۰ مایل امپراتوری روسیه و بریتانیا را در آسیا از هم جدا می‌کرد. این فاصله در پایان قرن نوزدهم به کمتر از چند صد مایل و در قسمت‌هایی از ناحیه پامیر به کمتر از ۲۰ مایل کاهش یافته بود، در واقع بازی بزرگ به اوج هیجان و فرجام خود هرچه نزدیک‌تر می‌شد علاقه انگلیس و روسیه برای تعیین مرزهای سیاسی جهت تعیین محدود قلمرو این دو امپراتوری در قالب سرزمین افغانستان رنگ واقعی‌تری به خود گرفت (Hopkirk, 1980:19).



عکس. ۱: سرحد بین هندبرتانوی و افغانستان (منبع: دائرةالمعارف افغانستان)

هرچند انگلیسی‌ها که روابط دوستانه‌ای با پادشاهان افغانستان داشتند و مایل بودند تا افغانستان به عنوان یک منطقه بی-طرف با مرزهای سیاسی مشخصی از جانب روسیه به رسمیت شناخته شود اما مدتی زمان لازم بود تا روسیه نیز به این مسئله رضایت دهد. در واقع وقتی روسیه پس از شکست در جنگ با ژاپنی‌ها در ۵ سپتامبر ۱۹۰۵ مجبور شد پیمان صلحی را با این کشور امضاء کند، کم‌کم به پایان بازی بزرگ نزدیک می‌شویم. در ادامه روس‌ها و انگلیسی‌ها در توافق-

نامه‌ای در اوت ۱۹۰۷ آمادگی خود در را برای پایان رویارویی دو امپراتوری در آسیا با ایجاد یک کشور حائل یعنی افغانستان اعلام نمودند. بازی بزرگ نقطه آغاز برای تثبیت مرزهای سیاسی افغانستان در ادامه توافقنامه روسیه و انگلیس برای تعیین مرزهای رویارویی این دو امپراتوری بود (Hashemi, 2013:20). بر اساس مرز دیورند تیغ بی‌عاطفگی مجریان سرحدی از میان رگه‌ها و رشته‌های خونی و تباری اقوام تاجیک، اوزبک، ترکمن، بلوچ و پشتون گذشت و در نتیجه علایق خانوادگی، تاریخی و فرهنگی آنان را در دو دامنه کوه‌ها و یا در دو ساحل دریای آمو بی‌رحمانه جدا کرد (Moradi, 2011:251).

جدول ۱: حدود مرزهای افغانستان با کشورهای هم‌جوار

ردیف	اسم مرز	سال تعیین	طول مرز	کشور هم‌جوار	نقطه آغاز و پایان	زامدار وقت
۱	خط امیر شیرعلی خان	۱۸۷۳	۱۸۰۰	تاجیکستان	زرقول جهیل تا خم اب	امیر شیرعلی خان
۲	مرز ریجوی	۱۸۸۷	۵۴۰	ترکمنستان	خم اب_ ذوالفقار	امیر عبدالرحمن خان
۳	مرز فخرالدین التایی	۱۹۳۵	۴۵۰	ایران	سیاه کوه_ ذوالفقار	محمدظاهرشاه
۴	مرزی دیورند	۱۸۹۳	۲۴۳۰	پاکستان	دره یولی تا کوه ملک سیاه	امیر عبدالرحمن خان
۵	مرزی مکماهن	۱۹۰۳_۱۹۰۵	۴۷۵	ایران	ملک سیاه_ سیاه کوه	امیر شیرعلی خان
۶	مرزی شمال شرق	۱۹۶۴	۹۶	چین	دره یولی _ کوتل واخجیر	محمدظاهرشاه
۷	مرزی پامیر	۱۸۹۵	۹۰	ازبکستان	دره یولی _ زرقول جهیل	امیر عبدالرحمن خان

Source: Authors

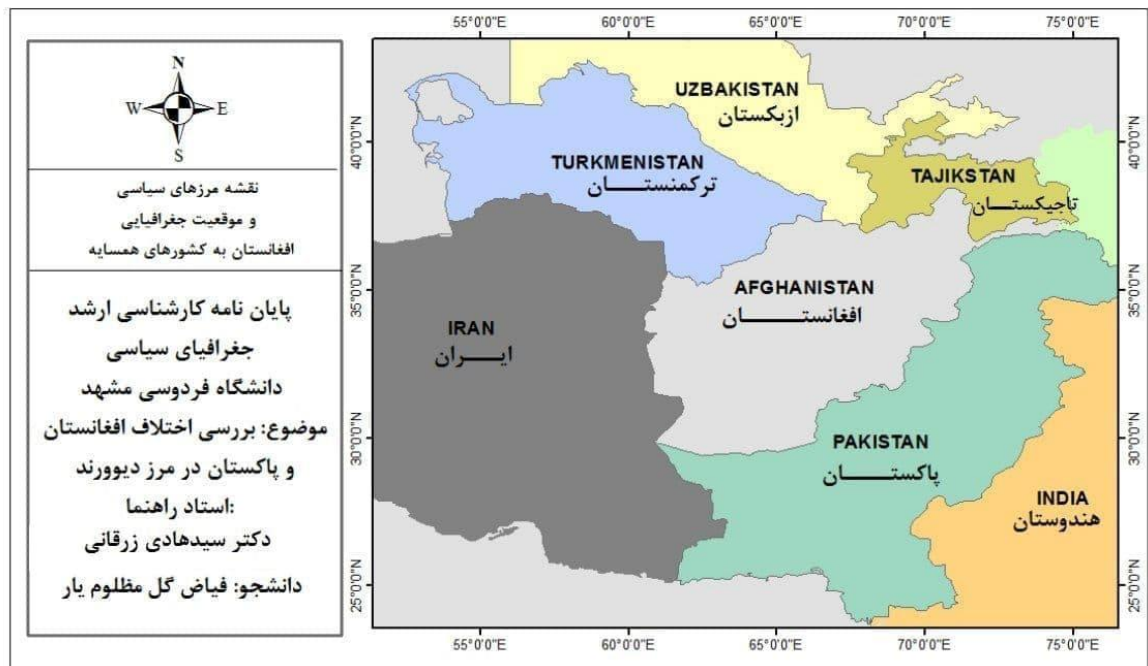
۲-۵- پایان بازی بزرگ و تثبیت مرزهای سیاسی افغانستان

رقابت‌های سیاسی- نظامی ابرقدرت‌های اروپایی به‌خصوص انگلیس و روسیه تزاری که از سال ۱۸۰۱ به بعد در افغانستان شروع شد پیامدهای تلخی برای این کشور به همراه داشت. از جمله می‌توان به حملات و تجاوزات نظامی که از سمت شمال، غرب و شرق به افغانستان شد اشاره کرد که در نتیجه آن استقلال و حاکمیت افغانستان تهدید و مناطقی زیادی از اراضی آن از این کشور جدا و به بیگانگان تعلق گرفت. در این بحبوحه نیز افغانستان متحمل سه جنگ عمده با انگلیس‌ها شده که در نتیجه به یک کشور محاط در خشکی تبدیل گردید. از پیامدهای دیگر رقابت سیاسی- نظامی انگلیس و روس در منطقه تعیین بیشترین مرزهای سیاسی افغانستان در شمال، شرق، جنوب و شمال غرب می‌باشد که به‌صورت قاطع و بلامنازعه توسط این دو قدرت جهانی انجام گرفت و بر دولت‌های وقت تحمیل گردید.

انگیزه اصلی تعیین مرزهای افغانستان برای انگلیس‌ها جلوگیری از گسترش نفوذ نظامی روس‌ها به سمت جنوب و تشکیل یک منطقه بی‌طرف^۱ بود (Sediq Farhang, 1992: 330). انگلیس‌ها در تعیین و تثبیت خط دیورند نیز نقش عمده داشتند و انگیزه اصلی که آنان را تحریک نمود تا این خط مرزی تثبیت گردد خطر پیشروی روس‌ها بود و برای جلوگیری از این خطر احتمالی، بر امیر عبدالرحمن خان فشار آوردند تا هیئت هند برتانوی را به‌منظور مذاکره برای تعیین و تثبیت مرزها شرقی و جنوبی افغانستان به ریاست سر هنری مورتیمر دیورند به کابل بپذیرد. در واقع هدف‌شان

^۱ Buffer Zone

تحکیم سلطه بر مناطق سرحدی و معابر استراتژیک در این منطقه بود که بالاخره به هدفشان نیز رسیدند (Ghobar, 1995: 80). توافقنامه دیورند در هفت ماده تنظیم شد و بر اساس حکم ماده چهارم آن مرزبندی توسط هیئت مختلط صورت گرفت. در نتیجه این معاهده ولایات (استان) سوات، باجور، چترال، علاقه‌های ارنودی، وزیری، داور، چاکی و چمن از کشور افغانستان جدا شدند. به این ترتیب خط دیورند بر اساس دکترین سیاست مرز علمی لاردنسدون و پیشروی هند که باید قوای انگلیس در صورت حمله روس‌ها در اولین فرصت مناطق کابل، غزنی و قندهار را توسط قوای نظامی خویش اشغال کند تحمیل شد زیرا انگلیس‌ها این خط را مرز علمی هند می‌پنداشتند. انگلیس به تجدید پیمان دفاع از خاک افغانستان، در صورت تجاوز خارجی، که قبلاً گریغن آن را به امیر وعده داده بود متعهد شد. هند بریتانیایی به امیر عبدالرحمن خان در حالی معاهده‌ی دیورند را به تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ تحمیل کرد که وی اطلاعات دقیق از موقعیت جغرافیایی تمام مناطق شرق دیورند نداشت (Habibi, 2010: 111) و علاوه بر آن، نقشه‌ی جغرافیایی این مناطق را که ضمیمه معاهده شده بود، به دقت مورد مطالعه قرار نداده بود در نتیجه نقاط مهم مانند: چمن، نوشکی و غیره به دست انگلیس‌ها افتاد (Habibi, 2010: 34).



نقشه ۱: مرزهای سیاسی و موقعیت جغرافیایی افغانستان به کشورهای همسایه

۳-۵- مرز تحمیلی دیورند

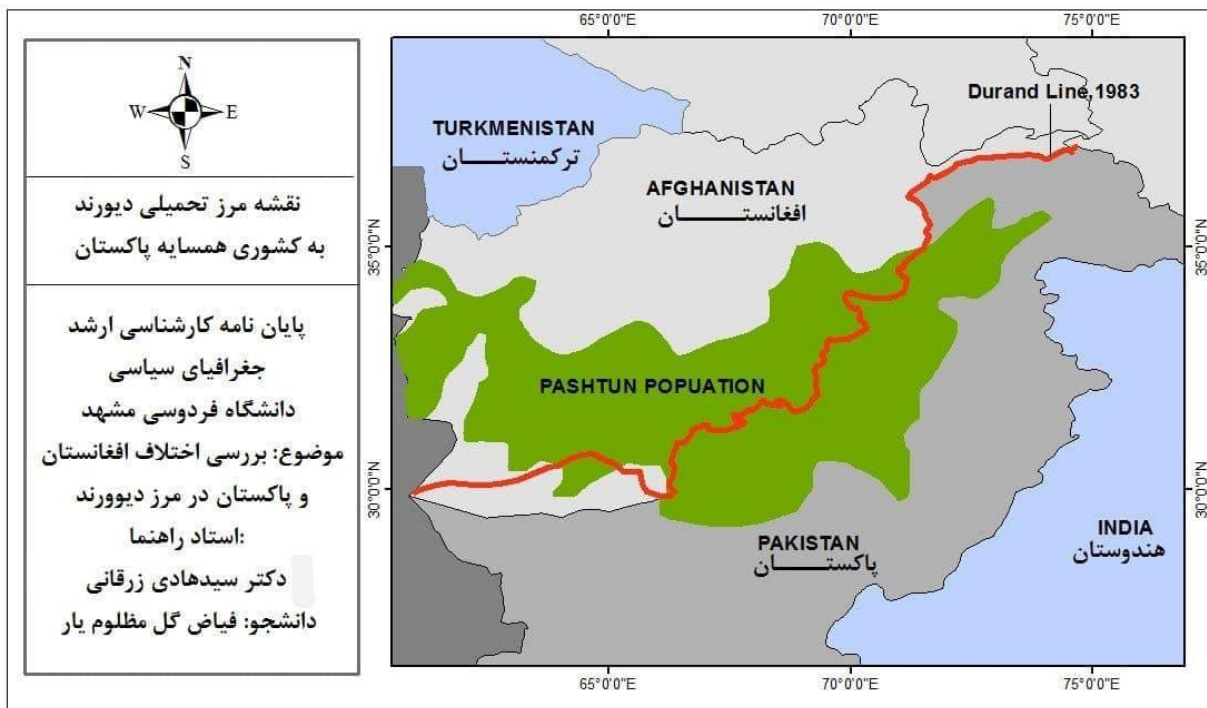
کلمه تحمیلی یک اصطلاح جغرافیای سیاسی است و به آن نوع از سرحداتی اطلاق می‌شود که، در نتیجه سیاست بین‌المللی به وجود آمده‌اند (Mohamadi, 2017: 78). ترسیم خط مرزی دیورند در واقع سومین اقدام جداسازی سرزمین‌های افغانستان توسط مقامات هند بریتانیایی بود (paikar pamir, 2014:53). که در سال ۱۸۹۳ و در ادامه معاهدات لاهور، پشاور، قندهار و گندمک که بر اساس آن افغانستان بزرگ‌ترین اراضی خود به همراه آبادترین مناطق و

شهرها شامل کشمیر، دیره جات، سند، بلوچستان، پیشاور، کویته و مهم‌ترین مناطق و گذرگاه‌های استراتژیک (دره‌های خیبر، بولان و کرم) را از دست داد صورت گرفت. هر دو طرف (امیر عبدالرحمن خان پادشاه افغانستان و انگلیس‌ها) تلاش می‌کردند بعضی مناطقی که هنوز حاکمیت انگلیس بر آن تأمین نبود از قبیل چترال، سوات، بنیر، باجور و کنر را به دست آورند. امیر عبدالرحمن خان به یک سلسله اقدامات دست زد از جمله تصرف آسمار، وانه‌چگی و قصد تصرف باجور را نیز داشت که با واکنش انگلیسی‌ها مواجه شد به طوری که برای فشار آوردن بر او یک سری اقدامات تحریک‌آمیز از قبیل اشغال چترال، تمرکز قوا در سوات، بنیر و باجور، توقیف اسلحه و مهماتی که امیر عبدالرحمن خان در اروپا خریداری کرده بود را انجام دادند. این اقدامات باعث تیرگی روابط در مناسبات دو طرف گردید تا اینکه امیر عبدالرحمن خان با مسافرت هیئت سفارت انگلیس موافقت کرد. هیئت انگلیسی به ریاست سر مارتمیر دیورند (مشاور امور خارجه هند) در تاریخ دوم اکتبر ۱۸۹۳ به کابل سفر کرد و مذاکرات طرفین با فشار و تهدید از جانب انگلیسی‌ها و با ترس و بدگمانی از طرف امیر عبدالرحمن خان جریان یافت. در مجموع حاصل سفر او عقد یک معاهده ننگین دیگر به نام معاهده دیورند بود که بازهم به دنبال معاهدات گذشته بخش‌های دیگری از خاک افغانستان جدا گردید. واقعیت امر این بود که امیر عبدالرحمن خان در این زمان با واگذاری مناطقی که هنوز تحت تسلط افغانستان بودند مانند منطقه استراتژیک چترال و سوات، بونیر، باجور، چمن و وزیرستان و امضای معاهده در کل موافق نبود اما فشار و تهدیدات انگلیس از یک طرف و احساس خطر از دست رفتن مقام سلطنت از طرف دیگر او را مجبور ساخت تا این معاهدات را امضا کند. (اگرچه مورخ محمد حسن کاکر اظهار می‌دارد که او نسخه اصلی سند دیورند را به زبان انگلیسی دیده است و تأکید می‌کند که اولاً این سند معاهده نیست بلکه موافقت‌نامه است زیرا معاهده در انگلیسی Treaty و موافقت‌نامه Agreement ترجمه می‌شوند و سند دیورند Agreement عنوان شده است و ثانیاً امیر افغانستان اصلاً این سند را امضاء نکرده است).

سرهینری مارتمیر دیورند دبیر امور خارجه هند بریتانیایی و رئیس هیئت مذاکره‌کننده از سوی حکومت بریتانیایی هند در اواخر سپتامبر ۱۸۹۳ با امیر عبدالرحمن خان توافقنامه‌ای را جهت تعیین مرزهای شرقی و جنوبی افغانستان با هند بریتانیا به امضاء رساند که به توافقنامه دیورند و مرز دیورند معروف شد. اما اعتراض دولت‌ها و برخی زمامداران افغانستان در مورد این توافقنامه پس از استقلال و تقسیم شبه‌قاره هند به دو کشور هند و پاکستان، اختلاف و منازعه‌ای را میان افغانستان و پاکستان شکل داد که بیشتر به منازعه دیورند شناخته می‌شود (Andishe, 2007: 2).

خط مرزی دیورند به طول ۲۴۳۰ کیلومتر از کوتل کلیک در شمال شرقی آغاز و به کوه‌های ملک سیاه در جنوب غربی امتداد می‌یابد که امروزه خط مرزی افغانستان و پاکستان را تشکیل می‌دهد. در نتیجه معاهده تحمیلی دیورند چمن، پشین، وزیرستان، کرم، پاراچنار، افریدی، باجور، سوات و چترال از خاک افغانستان جدا و ضمیمه خاک هند بریتانیایی (پاکستان کنونی) گردید (Azimi, 2011: 48-49). انگلیس‌ها با ترسیم این خط قصد داشتند از نفوذ امیر عبدالرحمن خان در بین قبایل جلوگیری به عمل آورند چراکه انگلیس‌ها از اتحاد تمام اقوام پشتون نیز ترس داشتند زیرا بعد از آنکه احمدشاه درانی پانی پت را فتح کرد و زمان شاه جانشینش قصد فتح هندوستان و اخراج انگلیس را از هند طرح نمود،

این ترس در انگلیسی‌ها پیدا شد که خطر و تهدید هندوستان از جانب کوه‌های هیمالیا چون به شکل طبیعی یک مانع است وجود ندارد و از طرف دریا نیز نیروی دریایی بریتانیا که در آن زمان بر دریاها و اقیانوس‌ها سیطره پیدا کرده بود حفاظت می‌کنند و تنها از طریق خاک افغانستان خطر حمله به هند وجود داشت (Mobarez, 2013: 26). خط دیورند طوری ترسیم شده که نه تنها یک قوم را به دو نصف تقسیم کرده بلکه خویشاوندان را نیز از هم جدا ساخته، این امر باعث شده که خط دیورند از روزی که بر روی کاغذ توسط خود دیورند ترسیم شد، در متن امضاء شده، در نقشه و در میان اقوام مورد احترام قرار نگرفته است (Mobarez, 2013: 25). از این رو پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، که مناطق آن سوی خط دیورند به عنوان مناطق خودمختار قبایلی به پاکستان تعلق گرفت؛ این خط هیچ‌گاه از سوی افغانستان و نیز برخی از احزاب مطرح در آن سوی دیورند (نشنل عوامی پارتی و حزب پشتونخوا)، به عنوان سرحد رسمی میان افغانستان و پاکستان، به رسمیت شناخته نشد. بر اساس این طرح سرزمین‌های که پیش از آن، به وسیله پادشاهان افغانستان به وسیله پیمان‌های سه‌جانبه، جمروداول و دوم، گندمک و دیورند به هند انگلیسی واگذار شده بودند اینک به پاکستان تعلق می‌گرفتند. در چنین حالتی، حکومت وقت افغانستان ادعا کرد که خط دیورند را به رسمیت نمی‌شناسد و مناطقی آن سوی خط دیورند جزء افغانستان است. برای حل قانونی مسئله در سال ۱۹۴۷ ارفراندومی برای نظرخواهی از مردم پشتون آن سوی خط دیورند در این مورد که به هند یا به پاکستان ملحق شوند برگزار شد (Saadat, 2017: 252). حکومت افغانستان اعتراض داشت که باید در این رافردوم گزینه افغانستان نیز در کنار گزینه هند و پاکستان اضافه می‌شد (Clifford, 1989: 207). از همین جاست که در سپتامبر ۱۹۴۷ میلادی هنگامی که پاکستان برای کسب عضویت سازمان ملل اقدام کرد، افغانستان تنها کشوری بود که به دلیل عدم شناخت رسمی مناطق آن سوی خط دیورند، با عضویت پاکستان در این سازمان مخالفت کرد (Mazloum Yar, 2015: 153). و این امر باعث شده خط دیورند تا به امروز به عنوان یک مشکل میان دو کشور باقی بماند و روی سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان سایه افکند، چون این مسئله یکی از عواملی است که پاکستان از طریق آن در پی دست یافتن به "عمق استراتژیک" در افغانستان برآمده است (Hashemi, 2013: 60).



نقشه ۲: مرز تحمیلی دیورند به کشوری همسایه پاکستان

(Retrieved from Afghanistan Encyclopedia)

۴-۵- نقش هند برتانوی در ترسیم مرز دیورند

علی‌رغم به وجود آمدن کشور حائل افغانستان، بریتانیا از روند امور راضی نبود زیرا می‌خواست بر دو محور اساسی قندهار- کویته و کابل- پشاور که از افغانستان به هندوستان منتهی می‌شدند نیز تسلط یابد. از این‌رو، در طی دو جنگ در سال‌های ۱۸۴۲-۱۸۳۹ و ۱۸۸۰-۱۸۷۸ بریتانیا تلاش کرد نفوذ خود را بر قبایل افغانی تحمیل کند (Bureau of Political and international studies, 1991: 67). در سال ۱۸۸۸ که لارڈ لندن به‌عنوان ویسرای هند منصوب گردید، با ورود ویسرای جدید سیاست انگلیس در برابر افغانستان تا حدی دستخوش تغییر گردید و عنصر جدیدی را در رویه انگلیس در برابر افغانستان وارد نمود که به نام (سیاست سرحد علمی) معروف گردید. هدف از این سیاست این بود که در صورت بروز خطر روسیه، انگلیس بتواند در مدت کوتاهی خط کابل، غزنی و قندهار را که از دیدشان سرحد هند بود، توسط قوای نظامی اشغال کند، برای اجرای این منظور باید آن‌ها علاوه بر معابر خیبر و بولان که قبلاً به دست آورده بودند، سایر مناطق سرحدی را هم تحت اداره نظامی خود می‌گرفتند. این سیاست طبعاً با نقشه امیر عبدالرحمن خان مبنی بر گسترش حدود افغانستان در شرق قبل از تعیین خط سرحدی برخوردار نمود و پس از مذاکرات با این کشور توافقی‌نامه‌ای در مورد سرحد شرقی و جنوبی افغانستان که از واخان تا سرحد ایران بود و به نام خط دیورند شهرت یافت میان دو کشور بسته شد. به‌موجب احکام این توافقی‌نامه، افغانستان از وزیرستان و چمن صرف‌نظر کرد و در مقابل تأیید

انگلستان را در مورد اینکه دره کنر تا اسمار و علاقه بیرمل در وزیرستان جزء افغانستان باشد را به دست آورد و طرفین توافق کردند تا مرزبندی در خود محل توسط هیئت‌های مختلف صورت گیرد. در برابر این همه گذشت‌های طرف افغانی حکومت انگلیس فقط حاضر شد تا کمک مالی به دولت امیر عبدالرحمن خان را افزایش دهد: (HaghJo, 2001: 163-164). انگلیس‌ها برای جداسازی این مناطق وسیع و حیاتی از افغانستان، فعالیت‌های جنگی، جاسوسی، تبلیغی و تخریبی زیادی در افغانستان انجام دادند. به نظر می‌رسد خط دیورند و محروم کردن افغانستان از آب‌های آزاد، طرحی بود که انگلیس آگاهانه آن را تعقیب می‌کرد. از این طریق انگلیس‌ها اهرم نیرومندی در اختیار داشتند که افغانستان را به‌طور کامل وابسته به آن‌ها می‌کرد، زیرا ارتباط آن‌ها با جهان خارج فقط از هندوستان می‌گذشت (Saadat, 2017: 179).



نقشه: ۳ اراضی مورد اختلاف افغانستان و پاکستان بنام پشتونستان

<https://www.google.com/search?q=%D9%86%D9%82%D8%B4%D9%87+%D9>

۵-۵- نقش روسیه و هند در ترسیم مرز دیورند

روس‌ها و حکومت هند، هر دو یک هدف را دنبال می‌کردند و آن عبارت بود از دور نگه داشتن کشورهای افغانستان و پاکستان و تضعیف نمودن هر دو کشور مسلمان و سلطه‌یابی در منطقه و توسعه‌طلبی. روس‌ها نقشه‌ای را به هند ارائه داده بودند که در اثر کمک آنان و نتیجه سیاست‌های بی‌سرانجام زعمای افغانستان، روزی هر دو کشور را می‌بلعد و آنگاه قسمتی از خاک پاکستان به هند واگذار می‌شود و قسمتی را هم در اشغال و تصرف خود درمی‌آورند و در وسط منطقه‌ای را به نام پشتونستان و مرز دیورند به‌عنوان کشور حائل به وجود می‌آورند. البته روس‌ها آنچه رامی‌خواستند تحت این نام در افغانستان انجام دهند به نحو مطلوب میسر نشد (Hagh Shenas, 1994: 386).

۶-۵- عواقب خط دیورند

مهم‌ترین بخش استراتژی سیاسی افغانستان را در نیم سده گذشته مسئله پشتونستان و خط دیورند تشکیل داده است و از سال ۱۸۹۳ به این طرف و به‌خصوص بعد از ایجاد کشور پاکستان تا به امروز مسئله خط دیورند به‌عنوان یک عنصر اساسی سیاست خارجی دولت افغانستان باقیمانده است. برای افغانستان پذیرش معاهده دیورند که باعث از دست دادن نصف قلمروهای پشتون نشین و دوسوم جمعیت بزرگ‌ترین قوم کشور و همچنین از دست دادن بلوچستان که باعث شد امروزه این کشور به‌جز از طریق پاکستان نتواند به دریای عرب و اقیانوس هند دسترسی داشته باشد بسیار سخت بود. از این رو این معاهده برای هیچ‌یک از رژیم‌هایی که تاکنون در افغانستان برسر کار آمدند از سلطنتی گرفته تا جمهوری و رژیم مارکسیستی مورد قبول واقع نشده است (Javadi Arjmand, 2009: 4).

- به‌طور کلی ادعای افغانستان در مسئله پشتونستان مبتنی بر منطق:

۱- تاریخی: از دیدگاه تاریخی مردم آن طرف خط دیورند همواره از افغانستان اداره شده‌اند که بریتانیایی‌ها به‌زور آن را غصب کردند.

۲- قانونی: معاهده‌ی دیورند میان افغانستان و انگلیس امضا شده است نه افغانستان و پاکستان، چراکه در آن وقت پاکستان وجود نداشته است.

۳- نژادی و فرهنگی: مردمان آن طرف خط دیورند پشتون می‌باشند و با پشتون‌های افغانستان که زمام امور را در دست دارند ارتباط خونی و نژادی دارند و باید به هم‌نژادان و هم‌زبانان در بخش غربی مرز دیورند ملحق شوند (varsaji, 2002: 186-187).

این ادعاها سبب ایجاد اختلاف و تنش بین دو کشور افغانستان و پاکستان گردید به‌طوری‌که باعث شد هر یک از این دو کشور برای پیش برد اهداف خود و بر اساس استراتژی که دنبال می‌کنند از دو جریان فکری مختلف در پشتونستان حمایت کنند که عبارت‌اند از گرایش اسلام‌گرایی دیوبندی که تفسیر سلفی‌گری از اسلام در سه دهه اخیر با آن همراه گردیده و جریان هویت طلبی ناسیونالیسم پشتون (Fayyaz, 2008: 230). بر اساس پیمان دیورند افغانستان برای همیشه از داشتن مرز دریایی محروم و به یک کشور محاط به خشکی تبدیل شد (Saadat, 2017: 171). در ادامه مطلب به برخی از پیامدها و آثار منفی خط دیورند برای کشور افغانستان اشاره می‌شود. البته باید اذعان داشت که آثار و پیامدهای منفی خط دیورند در تاریخ افغانستان بسیار زیاد است که در اینجا به‌طور خلاصه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۶-۵- آثار و پیامدهای سیاسی مرز دیورند

هر نوع تغییری در جغرافیای طبیعی یک کشور تأثیرات گوناگونی بر شئون مختلف از جمله حیات سیاسی آن کشور می‌گذارد. در طول تاریخ غالب منازعات سیاسی و نظامی سرمنشأ جغرافیایی داشته و اگر در جریان تعیین محدوده‌ها از جانب دولتمردان توجه جدی به واقعیات جغرافیایی موجود صورت نگیرد آن محدوده‌ها به نقاط حساس و ناآرام سیاسی و نظامی تبدیل می‌شود (Colin's, 2000: 78). با در نظر داشتن این حقایق، تعیین مرزهای افغانستان که نتیجه‌ی

مداخلات و رقابت‌های دو قدرت انگلیس و روسیه‌ی تزاری در منطقه است، پیامدهای سیاسی زیادی برای این کشور به همراه داشته است. معاهده‌ی دیورند که در واقعیت، اقوام پشتون افغانستان را که قرن‌ها در یک محدوده‌ی جغرافیای سیاسی افغانستان زندگی می‌کردند از هم جدا کرده و مشکلات متعددی را برای آنان به وجود آورده، از این رو این معاهده خشم دولتمردان و مردم افغانستان را برافروخت به طوری که بعد از خروج استعمار انگلیس از شبه‌قاره هند و ایجاد دو دولت هند و پاکستان، این خط مرزی از طرف افغانستان به رسمیت شناخته نشد؛ زیرا افغانستان ترسیم مرزهای جنوبی کشور خود را ناشی از فشارهای نظامی و سیاسی استعمار می‌دانست و بر این باور بود خط دیورند، قراردادی بوده که حوزه نفوذ انگلیس‌ها را در شبه‌قاره هند تعیین می‌کرد، نه خط مرزی ثابت و دائم افغانستان با کشور پاکستان در حقیقت این مناطق به‌عنوان حدفاصل بین هند بریتانیایی و افغانستان محسوب می‌گردید، از دیدگاه افغان‌ها به دلیل استقلال هند و عدم سلطه انگلیس بر این کشور (هند) معاهده مرزی دیورند که یک‌طرف افغانستان و طرف دیگرش حکومت انگلیس بوده با خروج انگلیس دیگر اعتبار خود را از دست داده است و باید بین افغانستان و پاکستان در مورد خط مرزی دیورند تجدیدنظر به عمل آید (HaghJo, 2001: 163-164). در مقابل پاکستان خط دیورند را به‌عنوان یک مرز بین‌المللی، قابل اعتبار می‌داند و ادعا می‌کند این خط مرزی در چندین مورد از طرف افغانستان مورد تأیید قرار گرفته و امروزه نیز از سوی دیگر کشورها به‌عنوان مرز بین‌المللی شناخته می‌شود. البته اگرچه دولت پاکستان در ظاهر مسئله دیورند را حل شده می‌داند. اما در باطن همواره کوشیده است دولت‌های افغانستان به‌طور رسمی این خط را به‌عنوان مرز بین‌المللی میان دو کشور به رسمیت بشناسند. به طوری که امروزه، پاکستان به اقدامات تخریبی زیادی در افغانستان دست می‌زند تا حکومت افغانستان هیچ‌گاه به‌صورت یک کشور قدرتمند نتواند روی پای خود بایستد. از جمله این اقدامات تاسیس گروه طالبان است. در واقع اهداف استراتژیک و اساسی پاکستان، فراتر از موضوع خط دیورند بوده و هدف نهایی‌شان ماورای آمو دریا و آن سوی هندوکش بوده است (Forouzan, 2010: 576). وقتی که سران افغانستان مسئله پشتونستان و باطل بودن خط دیورند را مطرح کرد از سوی پاکستان جواب منفی داده شد. به این ترتیب از نخستین روزهای تولد کشور پاکستان، نوعی بی‌اعتمادی، سوءظن بدبینی بین این کشور و افغانستان با محوریت مسئله پشتونستان و خط دیورند نیز آغاز شد که تا به امروز ادامه دارد و این مسئله در مرور زمان به یکی از منابع اصلی تولید بحران در منطقه به‌خصوص افغانستان تبدیل شده است (Saadat, 2017: 252). خط اندازی نوار طولانی سرحدی بنام دیورند در سال ۱۸۹۳ و جداسازی سیاسی اقوام پشتون و بلوچ در امتداد سرحدات جنوبی با هند برتانوی، در دوره بعدی بزرگ‌ترین چالش سیاسی را در مناسبات افغانستان با کشور جدید التاسیس (پاکستان) پس از سال ۱۹۴۷ به وجود آورد (Moradi, 2011: 250-251).



عکس ۳: درگیری مرزبانان افغان و پاکستان در امتداد مرز دیورند

<https://www.avapress.com/fa/news/162104/%D8%AA%D9%86%D8%B4>

۲-۶-۵- آثار و پیامدهای اقتصادی مرز دیورند

هم در گذشته و هم در حال حاضر هر بار که مناسبات دو کشور روی خط دیورند رو به وخامت می‌رفت، پاکستان حربه‌ای بسیار مؤثری را به کار می‌بست، و آن عبارت بود از تحریم در انتقال اموال تاجران افغانی و یا کارشکنی‌های متعدد و افزایش تعرفه‌های گمرکی که در بی‌ثباتی اوضاع اقتصادی افغانستان نقش مهمی داشت، و هر بار افغانستان را وابسته‌تر می‌ساخت (Hamdard, 2017: 82). معاهده دیورند از دیدگاه اقتصادی پیامدهای منفی زیادی برای افغانستان به همراه داشت زیرا در نتیجه‌ی تجاوزات پی‌درپی انگلیس‌ها، روس‌های تزاری و حکومت‌های قاجار شهرها و ولایات افغانستان یکی پس از دیگری اشغال و از خاک افغانستان جدا شدند در نتیجه افغانستان که برای قرن‌ها به آب‌های آزاد متصل بود، تبدیل به کشور محاط در خشکی گردید. در حالیکه قبل از آن، افغانستان بنادر آبی در اختیار داشت و از طریق تجارت با کشورهای خارجی در دریای سند و آمو از رونق خاصی برخوردار بود و در عصر تیمورشاه درانی تعداد زیادی از کشتی‌های تجارتهای افغانستان برای حمل‌ونقل کالاهای تجارتهای در دریای سند در حال رفت‌وآمد بودند (Farrokh, 1992: 110). به این ترتیب تبدیل‌شدن افغانستان به یک کشور محاط در خشکی، ضربه‌ی شدیدی بر تجارت این کشور وارد کرد. نقاط آباد و حاصلخیز کشور از طرف بیگانگان جدا گردید و افغانستان متکی به تجارت ترانزیت بیشتر از طریق بندر کراچی شد که گهگاهی به اثر تیره شدن روابط بین دو کشور، کالاهای افغانی به‌ویژه صادرات میوه‌ی تازه در مرز، متوقف می‌شد و باعث لطمه و صدمات شدیدی بر تجار افغانی می‌گردید. در نتیجه‌ی این محدودیت‌های پاکستان بر کار تجارت ترانزیت کالاهای افغانی بود که توجه افغانستان به بنادر شمال و غرب کشور بعد از سال ۱۹۵۰ معطوف شد و به این ترتیب میزان تجارت ترانزیت از طریق بنادر پاکستان تا حدی کاهش یافت (Sediq Farhang, 1992: 35). بدین ترتیب مسئله دیورند به لحاظ اقتصادی نیز روابط دو کشور رابه چالش مواجه کرده است (Hamdard, 2017:93).

۳-۶-۵- آثار و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی مرز دیورند

جای شک نیست که تأسیس خط دیورند باعث شد تا قبایل مجاور در اطرف آن، که قرن‌ها بدون مانعی با یکدیگر زندگی می‌کردند، از هم جدا شده و آزادی و رفت‌وآمد آن‌ها محدود شود. چون این مرز بخش بزرگی از مردم هم‌نژاد، هم‌زبان و هم‌فرهنگ را از هم جدا کرده است، بنابراین مورد انتقاد حکومت‌های قبلی افغانستان و بسیاری صاحب‌نظران بوده است. از سوی دیگر حمایت دولت افغانستان از گروه‌های قومی باهدف کسب حمایت قبایل در مبارزه بر ضد پاکستان در حفظ نظام قبیله‌ای این کشور، نقش مؤثری داشته است و باعث شده است تاکنون در این کشور ادارات دولتی و قوانین مدنی اعتبار لازم را کسب نکنند. بیش از صدسال است که باوجود دگرگونی‌های چشمگیر اجتماعی در کشورهای مجاور آن، سازمان قبیله‌ای در میان اقوام مختلف پشتون همچنان دست‌نخورده مانده است. رسوم سختگیرانه قبیله‌ای از جمله (پشتونوالی) و گروه‌های قومی، ساکنان این مناطق را از ابتدایی‌ترین حقوقی انسانی‌شان محروم نگه‌داشته است (Rahimi & Hagh Panah, 2011: 33). این اقوام به‌عنوان حافظان قوانین و رسوم بیشتر از هزار سال است که در این کشور حکومت می‌کنند و کوچک‌ترین پاسخی به نیازمندی‌های عصر فعلی نمی‌توانند بدهند. زنان در هیچ عرصه‌ای حضور ندارند. فقر و عقب‌ماندگی وحشتناک و نبود مدرسه، هزاران کودک و نوجوان را از مناطق عقب‌مانده، پشتون نشین به‌صورت سیل‌آسا به‌سوی مدارس دیوبندی پاکستان کشانده و نیروی انسانی گروه‌های طالبان و القاعده را فراهم می‌سازد. همچنین نبود امنیت، به دامپروری که شغل اصلی این مردم را تشکیل می‌دهد به‌شدت لطمه زده است. نیمی از نیروی جوان صرف جنگ می‌شود و نیمی دیگر درصدد یافتن لقمه نانی بین کابل و کراچی سرگردان‌اند، این رفت‌وآمد دائمی، مفهوم سرزمین و کشور را نزد مردم بی‌معنی ساخته و در نتیجه افغانستان با فقدان یک نیروی ملی مدافع سرزمین در این مناطق مواجه شده است (Bornasalehi, 2013: 106). پیچیدگی روابط قومی در افغانستان چیزی نیست که سایر جوامع آن را تجربه نکرده باشند. این امر بیش از هر چیزی به تراز توسعه اجتماعی و اقتصادی هر کشوری ارتباط دارد. در افغانستان افزون بر عدم توسعه اجتماعی و اقتصادی، نامشخص بودن مرزهای این کشور در سمت شرقی آن مسئولیت شهروندی شماری از اقوام را مورد سؤال قرار داده، و عملاً همه سرشماری‌ها را که پیش شرط عمده تطبیق برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد را ناممکن ساخته، نقطه آخر تعقیب مخالفان مسلح کشور را تا عمق کشور همسایه امتداد داده و ضرورت مدارا با سنت‌های قبیله‌ای و مدل زمامداری قبیله‌ای را به سطح کشورداری نیز رواج داده است. این امر باعث حفظ حساسیت‌های قومی و زبانی در میان سایر اقوام ساکن کشور نیز شده است. نباید تصور کرد که تنها اختلاف قومی میان پشتون‌ها و سایر اقوام است. این اختلاف را بین سایر اقوام نیز به درجاتی می‌توان مشاهده کرد. یکی از برنامه‌های اصلی دولت حامدکرزی و جامعه جهانی گویا برچیدن مراکز متعدد قدرت در کشور و تقویت دولت مرکزی بود. ولی تاکنون فرماندهان محلی نفوذ خود را کماکان در بین مردم حفظ نموده‌اند و به‌تناسب دوام سیاست دولت در رابطه با مناطق جنوب شرق، نفوذ و اعتبار آن‌ها بیشتر تحکیم می‌گردد. از طرف دیگر صرف بودجه بازسازی کشور در امور جنگی و رشوه‌دهی به سران قبایل احساسات آن عده از اقوام را که در مناطق آرام و

مساعد به بازسازی در وضعیت بسیار رقت‌بار زندگی می‌کنند، جریحه‌دار ساخته و زمینه نفوذ دوباره فرماندهان قدرت‌طلب قومی را فراهم ساخته است (AriyanFar, 2006: 85).

۶- نتیجه‌گیری

مرزها افغانستان همراه با تحولات بین‌المللی در دو قرن هجدهم و نوزدهم و با وفات احمدشاه ابدالی و در سال‌های بعد با کاهش قدرت سلسله‌ی سدوزائی و محمدزائی‌ها روندی انقباضی داشته است. بخش‌های وسیعی از کشور در شمال و جنوب افغانستان در نتیجه بازی‌های ژئوپلیتیکی بین دو کشور استعماری انگلیس و روسیه تزاری تعیین و تثبیت گردیده است. پیشروی روس‌های تزاری به امید رسیدن به آب‌های گرم، از سمت شمال و طرح سیاست پیشروی انگلیس از طرف شرق به سمت افغانستان، باعث برخورد منافع استراتژیک هر دو قدرت شد. بنابراین انگلیس برای حفظ منابع خویش و سدکردن نفوذ روسیه (که به سرعت به سمت افغانستان گسترش می‌یافت) مرزهای افغانستان را در شمال، شرق، جنوب غرب و شمال غرب با روسیه، ایران و هند بریتانیایی، تعیین و تثبیت نمود. ایجاد خط مرزی دیورند که به سده نوزدهم برمی‌گردد نتیجه رقابت انگلستان و روسیه در (بازی بزرگ) بر سر نفوذ و قدرت در گستره سرزمین‌های میان سیر دریا (سیحون) در شمال و سند در جنوب، بود که در نتیجه آن بخشی از خاک افغانستان به‌عنوان منطقه تحت نفوذ هند بریتانیایی در اختیار این دولت قرار گرفت. با افول قدرت امپراتوری‌های پیرامونی افغانستان (انگلیس و روسیه) و پیدایش دولت‌های جدید، دور تازه‌ای از منازعات و ادعاهای مرزی آغاز شد و مسائل جدیدی در روابط بین همسایگان نوپدید که غالباً در طول تاریخ جزو توابع افغانستان بوده‌اند، پدید آمد. نمونه آن اختلافات افغانستان و پاکستان است. افغانستان اختلاف سرزمینی بسیار جدی با پاکستان دارد و خط مرزی (دیورند) که در دوره استعمار بریتانیا بین دو کشور کشیده شده است، هیچ‌گاه از سوی دولت‌های اخیر افغانستان، حتی در دوره طالبان که وفادارترین دولت به پاکستان بود نیز به رسمیت شناخته نشده است. پاکستان برای اینکه انسجام سرزمینی خود را تداوم بخشد و مانع از شکل‌گیری دولتی منسجم در افغانستان شود، که آن دولت در پی تحقق ادعاهای خود در مورد خاک این کشور باشد، تلاش‌های وسیعی را برای ایجاد دولتی تحت‌الحمايه یا تضعیف نهاد دولت در افغانستان صورت داده است وضعیت تعریف‌نشده مرزهای جنوبی و شرقی به پاکستان نیز این امکان را می‌دهد که از آن به‌عنوان اسلحه استراتژیک علیه حکومت‌های ملی‌گرا در افغانستان استفاده کند که این امر باعث حمایت و تشدید بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان، ناامنی سراسری و همه‌جانبه، تخریب زیرساخت‌های توسعه افغانستان، قتل‌های سیستماتیک رهبران افغان، تخریب آثار باستانی و تاراج دارایی‌های افغانستان و... شده است.

با در نظر داشت تحقیق فوق و شواهد تاریخی به این نتیجه می‌رسیم که:

- معاهده خط دیورند ۱۸۹۳ که بین هند برتانوی و امیر وقت افغانستان امیر عبدالرحمن خان به امضا رسید، از طرف انگلیس‌ها برای تعیین ساحه نفوذ سیاسی، به شکل یک معاهده شخصی به امضا رسیده بود، نه به شکل معاهده بین دو دولت.

- معاهده خط دیورند، تنها یک موافقت‌نامه نیست، بلکه زنجیره‌ای از توافقات مختلف می‌باشد (مثلاً: معاهدات سال‌های ۱۸۹۳، ۱۹۱۹، ۱۹۰۵، ۱۹۲۱)

- در معاهده اول خط دیورند مشکلات زیادی وجود داشت، به همین دلیل هند بریتانیایی با هر امیر هر بار به‌طور شخصی توافقات و مذاکرات دیگری را انجام داد، تا بالاخره با استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ برای اولین بار معاهده کابل، بین دو دولت به امضا رسید و تمام معاهدات قبلی را باطل کرد.

- بر اساس معاهده زنجیره‌ای دیورند، مرزی که تعیین گردیده، یک مرز فرضی بوده و هیچ‌گاه به شکل مکمل علامت-گذاری نگردیده است.

- امیران و تمام حکومت‌های افغانستان (شاهی، جمهوری، کمونیستی، مجاهدین، طالبان، و حکومت‌های منتخب امروزی) در زمان حاکمیت خود، هیچ‌گاه مرز دیورند را به حیث سرحد رسمی قبول نکرده‌اند.

- بعد از هند بریتانیایی و با به وجود آمدن پاکستان، تا به حال تمام ادعاهایی که از طرف پاکستان با در نظر داشتن کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد خط دیورند صورت می‌گیرد، افغانستان از نظر حقوقی می‌تواند تمام ادعاها را به چالش بکشد.

- مرزهای جنوبی و شرقی افغانستان که امروزه در نقشه دیده می‌شود، با نقشه‌ای که در معاهده دیورند ذکر گردیده کاملاً متفاوت بوده و نتیجه هیچ نوع توافقی نمی‌باشد.

- به لحاظ تاریخی، قبایلی که در امتداد این خط زندگی می‌کنند، حتی در زمان هند بریتانیایی اتباع هند نبودند و این مرزهای قبایلی، تنها برای جلوگیری ساحه نفوذ سیاسی و نظامی افغانستان برای بازی بزرگ توسط زور اشغال گردید، به همین دلیل است که انگلیس‌ها در این مرزها همیشه با جنگ و مقاومت روبرو بودند.

نتیجه کلی بحث فوق این است که مسائل ملی و حساس مثل معاهده خط دیورند که پیشینه تاریخی طولانی دارد، باید از کشمکش‌های سیاسی کشور و سلیقه‌های مختلف سیاسی جدا شمرده شود و با در نظر داشتن منافع ملی، این بحث‌ها به اشخاص صاحب علم و مسلک واگذار گردد، تا از آن در سطوح بین‌الملل برای کشور استفاده استراتژیک نماید.

قدردانی:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مولفین از حمایت‌های مادی و معنوی معاونت پژوهشی دانشگاه قدردانی می‌نمایند.

کتابنامه

1. Akbari, M.H. (2012). A historical look at Durand. *Islamic History Quarterly*, No. 5 & 6. [In Persian]
2. Andishmand, M.A. (2007). *Durand's conflict*. Kabul: Peyman Publishers. [In Persian]

3. Andishmand, M.A. (2007). *We and Pakistan*. Kabul: Peyman Publishers. [In Persian]
4. Ariyanfar, A. (2006). *Durand: is nearing the end of the line*. Kabul: Afghanistan.[In Persian]
5. Azimi, M.A. (2011). *An Introduction to the Natural Geography of Afghanistan*. Kabul: Amiri Kabul Publications. [In Persian]
6. Azimi, M.A. (2012). *An Introduction to the political geography of Afghanistan*. Tehran: Khorasan Publishing. [In Persian]
7. Bornasalehi, A. (2013). *The effect of the Durand line on Afghanistan-Pakistan relations*. Kabul: Sarwar Saadat International Publications. [In Persian]
8. Bureau of Political and International Studies (1991). *Proceedings of the second Afghanistan seminar*. Iran: Bureau of Political and International Studies. [In Persian]
9. Clifford, M. (1989). *The land and people of Afghanistan*. (M., Saeedi Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
10. Colin's, J.M. (2000). *Political-military geography*. (A.R., Tagha, Trans.). Tehran: Arin. [In Persian]
11. Drysdale, A. (1995). *Political geography of the Middle East and North Africa*. (Mirhaider, D., Trans.). 4th edition, Tehran: the Ministry of Foreign Affairs Press. [In Persian]
12. Encyclopedia(1956). Kabul: Afghanistan Government Press. [In Persian]
13. Farrokh, M. (1992). *Political history of Afghanistan*. Qom: Rooh publishing house. [In Persian]
14. Fayyaz, M.I. (2008). *Pashtunistan, the political challenge of Afghanistan and Pakistan*. Qom: Masoomin Publications. [In Persian]
15. Forouzan, A. (2010). *Afghanistan from the Mojahedin government to the fall of the Taliban*. Mashhad: Ange Qalam. [In Persian]
16. Ghani Ahmadzi (2011). *Political relations between Afghanistan and Pakistan*. Kabul: Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Afghanistan. [In Persian]
17. Ghobar, Mir M.Gh. (1995). *Afghanistan on the path of history*. Tehran: Republic Press. [In Persian]
18. Habibi, (A. (2010). *The history of Afghanistan from the earliest days to the departure of Genghis around 600 AH*. Tehran: Duniya Kitab Publications. [In Persian]
19. Hagh Jo, M. (2001). *Afghanistan and foreign interventions*. Qom: Majlisi Sepehr Publications. [In Persian]
20. Hagh Shenas, N.A. (1994). *Russian conspiracies and crimes in Afghanistan*. Tehran: Cultural Center of the Islamic Jamiat of Afghanistan. [In Persian]
21. Hamdard, O.Kh. (2017). *Durand Law*. Kabul: Hamed Resalat Publications. [In Persian]
22. Hashemi, S. (2013). *Contemporary History of Afghanistan*. Kabul: Kabul University press. [In Persian]
23. Hopkirk, P. (1980). *The Great Game*. (R., Kamshad Trans.). Tehran: Nilufar Publications. [In Persian]
24. Jafari Voldani, A. (2008). England's Role in Delimitation of Kuwait and Iraq's Borderlines (According to Britain's Foreign Office Documents). *International Quarterly of Geopolitics*, 4(13), 163-196. [In Persian]
25. Javadi Arjmand, M.J. (2009). *Movements of the Taliban and its influence in Pakistan, Afghanistan and America*. Tehran: Journal of Central Eurasian Studies. [In Persian]
26. Mazloun Yar, F.G. (2015). *Political Geography of Afghanistan*. Kabul: Jalalabad Thought Reform Publications. [In Persian]
27. Mazloun Yar, F.G. (2019). *Examining the differences between Pakistan and Afghanistan on the Durand border*. Master's thesis of political geography of Ferdowsi University of Mashhad, supervisor Dr. Seyed Hadi Zarghani. [In Persian]

28. Mobarez, A.H. (2013). *Durand line is not an international border*. Mostafa Kabul Publications. [In Persian]
29. Mohamadi, Gh. (2017). *Both sides of Durand's line, the swamp of contemporary history*. Kabul: Saeed Publications. [In Persian]
30. Moradi, S. (2011). *Afghanistan Geography of Crisis*. Kabul: Saeed Publications. [In Persian]
31. Paikar Pamir, K. (2014). *Pakistan's role in the bloody tragedy of Afghanistan*. Haland: Shahnameh Foundation Publications. [In Persian]
32. Rahimi, M., & Hagh Panah, J. (2011). *Geopolitics of Afghanistan and regional developments in West Asia*. Tehran: Imam Sadiq University Press. [In Persian]
33. Rahimi, S. (2017). *Geopolitics of Afghanistan in the 20th century*. Tehran: Vazha Publishing Institute. [In Persian]
34. Rahmati, M. (1985). *Human geography of Afghanistan*. Kabul University: Geology. [In Persian]
35. Saadat, A. (2016). *History of contemporary Afghan political developments*. Kabul: Andisheh Foundation Publications. [In Persian]
36. Sediq Farhang, M. (1992). *Afghanistan in the last five centuries*. Mashhad: Derakhshesh Publications. [In Persian]
37. Shourmach Noorestabi, M. (1971). *The reality of Afghanistan's political landscape*. NP: Ministry of Nationalities. [In Persian]
38. Varsaji, M.I. (2011). *Afghan Jihad and the Cold War of Great Powers*. Peshawar: Sabour Islamic Publishing Center. [In Persian]
39. Zarghani, S.H. (2007). *An introduction to the recognition of international borders*. Tehran: Naja University Press. [In Persian]
40. Zarghani, S.H. (2019). *An introduction to the sustainable security of the border and border regions with an emphasis on the eastern borders*. Tehran: the Geopolitical Association of Iran. [In Persian]